

## نگاهی کوتاه به وضعیت شعر در انگلستان



مترجم: هادی محمدزاده

منبع: سایت <http://www.poetrymagic.co.uk>

در انگلستان تصویر فقیرانه‌ای از زندگی شاعران در ذهن‌ها نقش بسته است، زیرا درآمدشان بسیار پایین است. تعداد حیرت‌انگیزی از مردم انگلیس به سرودن شعر می‌پردازند البته افرادی که از کلاس‌های آفرینش‌های ادبی، مدارس، زندان‌ها، دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش بزرگسالان، بیرون می‌آیند را به حساب نمی‌آوریم. صدها هزار کتاب شعر، هر ساله در بریتانیا روانه چاپخانه‌های کوچک شعر می‌شوند. مشکل است که بگوییم تعداد شاعرانی که به سرودن می‌پردازند چقدر است شاید حدود پنجاه هزار نفر، غیرمترقیه است اما شعرهای بسیاری از این شاعران، ساختاری معیوب و کلیشه‌ای داشته و بعضاً مبتذلند. حتی اشعار خوب، شاید یک در پنجاه، شانس پذیرش و مقبولیت داشته باشند. اکثر شعرها سر هم بندي شده و یا تحت تأثیر باندهای شعری، سروده شده و سرانجام متروک و بی‌مخاطب مانده‌اند. برخی شاعران به خاطر فهم اندک و نیز جاه طلبی به آثار هم احترام نمی‌گذارند. بیشتر مجموعه‌های شعر یا توسط خانواده‌ی شاعر خریداری می‌شوند یا به وسیله دوستانی که به نوعی با شاعر در ارتباطند و یا به وسیله رفقای شاعر که می‌خواهند نقطه‌ضعفی در کتاب بیابند. همچنین شاعرانی که می‌خواهند بهره‌ای از کتاب ببرند و نیز معلمین و کارشناسان آموزش و پرورش ممکن است در ردیف خریداران کتاب شعر قرار گیرند. مجلات شعر باید خیلی خوش شانس باشند که تیراژشان به هزار یا بیش‌تر برسد و به ندرت در طول سال کسی ریسک سرمایه‌گذاری در این کار را می‌پذیرد حتی مجلاتی که متعلق به مؤسسات بزرگ‌تر هستند نه به خاطر علاقه و رویکرد خوانندگان که بیش‌تر برای در معرض نمایش قرار گرفتن و حفظ آبرو و پرستیژ در قفسه‌ها، منتشر می‌شوند. حراجی‌های پر زرق و برق در گستره‌ی نمایشگاه‌ها پیش از آنکه برای سلامت عمومی شعر در کشور مفید باشد برای سردبیران و شرکت‌کنندگان مفیدند. شرکت‌کنندگان هم اغلب به اشتراک این مجلات اظهار بی‌میلی می‌کنند مگر اینکه اشتراک به گونه‌ای نیازهایشان را برآورده کند. چرا این‌گونه است؟ تولید شعر به طور مضحکی از تقاضا پیشی گرفته است. در هنرهای دیگر، هنرمندان خیلی خوب یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند و این البته مختص هنرهای نمایشی نیست بلکه حتی در هنرهای فردی و شخصی هم این حمایت‌ها به چشم می‌خورد. در این زمینه می‌توان نقاشی، تصویرپردازی، سفالگری را مثال زد. هنرمندان دیگر رشته‌ها عموماً کاری را که می‌خرند تحسین می‌کنند. نادیده گرفتن قوانین و قواعد مدون و نیز عدم علاقه‌ی جمعی و عدم وجود مخاطبین عاشق اثر را شاید بتوان از دلایل کم‌فروش بودن کتاب‌های شعر بر شمرد و نیز این که نکته خاصی در این شعرها پیدا نمی‌شود چیزی که خود خوانندگان از ایجاد آن عاجز باشد. معیشت شاعران حرفه‌ای، بیش‌تر از راه نقد و بررسی آثار، مسابقات و داوری‌ها، سخنرانی‌ها، چرخاندن کارگاه‌های شعر و یا ظاهر شدن در رادیو و تلویزیون یا از راه حق‌التألیف آثارشان چه به صورت کتاب یا درج در روزنامه‌ها و نشریات می‌گذرد. نویسندگان هم به صورت اتوماتیک باید یاد بگیرند که یا با نداری کنار بیایند یا دنبال یک کار پر سود بروند. هر ناشر بزرگ انگلیسی، 200 هزار دست‌نویس ناخواسته‌ی رمان را در سال دریافت می‌کند و بیست عدد از آن‌ها را منتشر می‌کند. هفتاد و پنج درصد از نویسندگان جدی‌تر در ایالات متحده آمریکا هم هیچ پولی را هرگز از محل فروش آثارشان به دست نمی‌آورند که البته کسب درآمد از محل فروش کتاب‌های شعر، ناراحت‌کننده‌تر است. از آنجا که شعر یکی از ادبی‌ترین هنرهاست نمی‌توان به آسانی از روی آن فیلم ساخت و برنامه‌های تلویزیونی و نیز سریال‌های کوتاه، بنابراین سر شاعران از این جهت هم بی‌کلاه می‌ماند. کارورزان آماتور، عموماً خودشان دست به انتشار آثارشان می‌زنند و اتکایشان به حدود دویست تا 500 نسخه از آثارشان است حتی پس از صرف کوشش زیاد، ممکن است حدود 200 نسخه از آثارشان برگشت بخورد. یکی از ابزارهای بسیار خوب برای پیشرفت‌شان شرکت در رقابت‌های شعر است که اثر را به صورت گسترده‌تری در مرکز توجه عموم و حتی ناشران بزرگ‌تر قرار می‌دهد. خیلی‌ها شهرت و اعتبارشان را از همین طریق کسب کرده‌اند. در بریتانیا مسابقاتی که بتوان شعر را برای بدان‌ها ارائه داد اگر سر به صدها و هزارها نکشد سالیانه حداقل بالغ بر

ده‌ها مورد مي‌شود. شعرهاي ارائه داده شده قبل از گزينش، از فيلترهاي مختلفي عبور مي‌کنند. شعرهايي که اصل نيست يا کليشه‌اي است يا شعرهاي که ربطي به موضوع ندارد به صورت خودکار رد مي‌شوند. جشنواره‌هاي ادبي، بيش‌تر همسو با اهداف کميته‌هاي برگزار کننده، شکل مي‌گيرند که البته عموماً هم اين اهداف مشخص نيستند. مجلات کوچک هميشه با کمبود بودجه مواجه‌اند و اين رقابت‌هاي ساليانه يك روش ایده‌آل براي پر کردن خزانه است البته پول قابل توجهي صرف پول جايزه مي‌شود که مراحل اهداي آن ممکن است به صورت چرخه‌اي پيش رود به اين صورت که پول از شاعران زيادي گرفته شده و به طور دل‌به‌خواهي به عده‌اي ديگر داده مي‌شود.